

حق الضرب

عدم استفاده از روش تأمین مالی بدهی با استقراض از بانک مرکزی و حق الضرب است.

روش‌های مختلفی برای اندازه‌گیری و تخمین حق الضرب وجود دارد. در یک حالت ساده می‌توان ارزش واقعی ایجادشده توسط دولت را از طریق تغییر در حجم پول در مقایسه با سطح عمومی قیمت‌ها در نظر گرفت. یعنی:

$$S = \frac{M_t - M_{t-1}}{P} \quad (1)$$

که در آن S حق الضرب، P سطح عمومی قیمت‌ها و M_t حجم پول در دوره فعلی و M_{t-1} حجم پول در دوره قبل است. در تعریفی مشابه، فریدمن (۱۹۷۱) حق الضرب را براساس نرخ رشد اسمی پول و سطح عمومی قیمت‌ها تعریف می‌کند:

$$R = \frac{M}{P} g_m \quad (2)$$

که در آن g_m نرخ رشد واقعی سرانه پول، M حجم پول و P سطح عمومی قیمت‌ها است. لازم به ذکر است رابطه (۲) برای حالت پایدار (Steady State) به دست آمده است. در این وضعیت می‌توان فرض کرد تولید و نرخ بهره واقعی تحت تأثیر نرخ رشد پول نیستند و تورم انتظاری با تورم واقعی یکسان است" (رومر، ۲۰۱۲: ۵۶۸). در مجموع، براساس رابطه (۲) می‌توان گفت حق الضرب واقعی برابر است با: "نرخ مالیات روی مانده واقعی ضربدر مقداری که براساس آن مالیات بسته می‌شود، $\frac{M}{P}$ " (رومر، ۲۰۱۲: ۵۶۹). به‌طور ساده، تقاضای واقعی پول به‌عنوان یک پایه مالیاتی برای این نوع درآمد دولت یعنی حق الضرب عمل می‌کند. هرچه این پایه مالیاتی کمتر شود، طبیعتاً مقدار مالیات یا همان درآمد دولت کم می‌شود. بنابراین، می‌توان یک حد آستانه برای این نوع پایه مالیاتی تعریف کرد. به‌عبارتی، می‌توان یک منحنی مشابه منحنی لافر (که در آن درآمد مالیاتی برحسب نرخ مالیات نشان داده می‌شود) برای حق الضرب ترسیم کرد که پس از مقدار بیشینه، درآمد دولت با افزایش حق الضرب کاهش یابد. در ادبیات اقتصاد پولی و

Seignorage

در تعریف کلاسیک تفاوت بین ارزش روز یک سکه مشخص با هزینه تولید یا ضرب آن را حق الضرب گویند که یک درآمد انحصاری برای دولت محسوب می‌شود. اما امروزه و در دنیای بانکداری مدرن و پول کاغذی این تعریف در عمل به‌شکل دیگری بروز یافته است، زیرا از اساس هزینه نهایی چاپ اسکناس نزدیک به صفر و ماهیت پول کاغذی متفاوت از تعریف پول طلا است.

درآمد ایجادشده برای دولت از طریق انتشار پول حق الضرب گفته می‌شود. واضح است با توجه به اقلام پایه پولی، تأمین مالی دولت از این طریق موجب رشد پایه پولی و در نتیجه احتمال تورم زیاد است. از طرفی تورم ایجادشده در واقع هزینه‌های زندگی مردم را افزایش می‌دهد. "وقتی دولت با چاپ پول درآمد خود را افزایش می‌دهد گفته می‌شود که مالیات تورمی وضع شده است" (منکیو، ۱۳۸۷: ۵۳۰).

مفاهیم نظری و اندازه‌گیری حق الضرب

موضوع حق الضرب با ادبیات انضباط مالی، استقلال بانک مرکزی و تورم در ارتباط است و نظریه‌های مرتبط با آن بیشتر مربوط به کشورهای کمتر توسعه‌یافته است تا کشورهای صنعتی (رومر، ۲۰۱۲: ۵۱۴). دولت‌ها می‌توانند برای تأمین مالی هزینه‌های خود از طرق مختلفی اقدام کنند. طبیعی است که استقراض از بانک مرکزی یا همان استفاده از حق الضرب به‌عنوان منبع درآمد یکی از این راه‌ها و در واقع ساده‌ترین آن‌ها است. در صورتی که رشد حجم پول بیش از رشد اقتصادی کشور باشد، تورم نتیجه بدهی چنین سیاستی خواهد بود. بنابراین، امروزه این روش تأمین مالی کسری بودجه اساساً در اقتصادهای پیشرفته در مقایسه با دیگر روش‌ها بسیار کم‌رنگ است. این کم‌رنگ شدن، نتیجه استقلال بانک مرکزی از دولت است که خود نتیجه یک فرایند طولانی نهادسازی و متعهد کردن دولت‌ها به

اقتصاد بخش عمومی این موضوع تحت عنوان حق‌الضرب بهینه (Optimal Seignorage) مطرح است.

زمانی که دولت برای تأمین مالی به پول بیش از حق‌الضرب بهینه نیاز داشته باشد و در عمل، اقتصاد در شرایط حالت پایدار نباشد (برای مثال، اگر آحاد اقتصادی به سرعت مانده واقعی پول خود را تعدیل نکنند)، آنگاه اقتصاد با چالش تورم بالا یا ابرتورم (Hyperinflation) مواجه خواهد شد. سارجنت (Sargent, 1982) توضیح می‌دهد که در آلمان، اتریش، مجارستان و لهستان اول اینکه، ایجاد یک بانک مرکزی مستقل که به‌طور قانونی درخواست دولت برای اعتبار اضافی را رد می‌کرد و دوم اینکه، به‌طور همزمان تغییر اساسی در رژیم سیاست مالی در کنترل ابرتورم مؤثر بودند".

کتاب‌شناسی

منکیو، گریگوری (۱۳۸۷). مبانی علم اقتصاد، ترجمه حمیدرضا ازبواب، تهران: نشر نی.

Friedman, M. (1971). "Government revenue from inflation", *Journal of Political Economy*, 79(4), 846-856.

Romer, David. (2012). *Advanced macroeconomics*, New York: McGraw-Hill/Irwin.

Sargent, T. J. (1982). *The ends of four big inflations*, In *Inflation: Causes and effects* (pp. 41-98), University of Chicago Press.

زهرامیلا علمی

دانشکده اقتصاد، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران